



(رئیس دانشگاه علوم پزشکی

استان البرز) اعلام کرد:

برگزاری آموزش سلامت باروری

برای ۶۲۰ هزار مادر البرزی

در فریسن:

یک مرکز زیبایی غیرمجاز پلمب شد

تغییرات پرسپولیس در سایه بحران:

پروین حیا کرد، درویش رها کرد...!

رونوشت به استاندار البرز:

حرف‌ها بزرگ‌اند،

اما کردها هنوز کور مانده‌اند...

(شهردار فریسن) خبر داد:

پیشرفت ۲۲ درصدی پروژه

تقاطع غیرهمسطح امام علی (ع)

فرونشست در اصفهان، ناقوس مرگ تمدن و طبیعت است؛

نقش جهان در خطر

زاینده رود در

نابودی،

آستانه فراموشی

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید مرتضی محمودی اسفنداران» که ۱۲ اردیبهشت ۶۱ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرمی باد



چین بمب هیدروژنی غیرهسته‌ای آزمایش کرد

براساس گزارش‌ها، دولت چین یک بمب هیدروژنی قدرتمند اما غیرهسته‌ای را آزمایش کرده است. به گزارش روزنامه «ساوث چاینا مورنینگ پست»، پژوهشگران چینی با موفقیت یک بمب انفجاری مبتنی بر هیدروژن را در یک آزمایش میدانی کنترل‌شده منفجر کردند؛ بمبی که بدون استفاده از هیچ ماده هسته‌ای، واکنش‌های زنجیره‌ای شیمیایی مخربی ایجاد کرد. بر اساس مطالعه‌ای که ماه میلادی گذشته منتشر شد، این بمب ۲ کیلوگرمی آتشی با دمای بیش از ۱۰۰۰ درجه سانتیگراد به مدت بیش از ۲ ثانیه ایجاد کرد که این مدت ۱۵ برابر طولانی‌تر از انفجار مشابهی با ماده منفجره «تی.ان.تی» است و هیچ ماده هسته‌ای در آن به کار نرفته بود.

دنیایکسوادار

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۷۹۴

رویداد

دیدگاه

مخاطرات خرنده پشت لبخند دیپلماتیک قاره خاکستری؛

اروپا در آینه نازیسم

حمید رشید

آیا تاریخ همیشه در حال تکرار است یا فقط تماشاگرانی فراموش‌کار دارد؟ اظهارات تازه سرگنی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، از یک منظر نگران‌کننده‌اند و از منظری دیگر هشداردهنده. او از احیای «نازیسم اروپایی» در پوشش تصمیمات سیاسی اتحادیه اروپا سخن گفت؛ تصمیماتی که از نگاه بسیاری از ناظران، صرفاً واکنش‌هایی به جنگ اوکراین تلقی می‌شود. اما آیا ماجرا به همین سادگی است؟ یا اتحادیه‌ای که زمانی از خاکستر جنگ جهانی دوم متولد شد، حالا در مسیر وارونه‌ای قدم می‌زند؟

اتحادیه اروپا با جلوگیری از ورود برخی مقامات کشورها به مراسم ۹ مه (روز پیروزی شوروی بر نازی‌ها)، تنها یک اقدام نمادین نکرده، بلکه دست به حذف‌گرایی در حافظه تاریخی زده است. روزی که باید نماد وحدت علیه فاشیسم باشد، به میدان سیاست‌بازی‌های معاصر بدل شده؛ آن‌هم با رویکردی که بی‌شابهت به همان ذات نژادپرستانه‌ای که اروپا روزگاری با آن می‌جنگید، نیست.

در ظاهر، مخالفت اتحادیه اروپا با حضور مقامات روسیه در این روز، تلاشی برای ارسال پیام مخالفت با تهاجم نظامی به اوکراین است. اما در باطن، نوعی پالایش سیاسی و گزینش تاریخی در حال شکل‌گیری است: حذف روسیه نه فقط از معادلات سیاسی امروز، که از خاطره جمعی پیروزی بر نازیسم.

فراموشی گزینشی: بیماری مزمن دیپلماسی غرب

لاوروف از واژه‌هایی سنگین استفاده کرد: «نازیسم»، «برتری طلبی»، «نادیده‌گرفتن دیگران». برخی ممکن است آن را اغراق آمیز تلقی کنند، اما این اظهارات، پژواکی از وضعیت نابرابر فعلی در نظام جهانی است.

اتحادیه اروپا، در کنار آمریکا، مدعی دفاع از نظم جهانی بر پایه حقوق بشر و دموکراسی است، اما در عمل، بیشتر شبیه به باشگاهی بسته عمل می‌کند که برای عضویت، تنها یک چیز لازم است: همراهی بی‌قید و شرط با گفتمان قدرت غالب. در چنین فضایی، نه تنها صلح و گفت‌وگو به حاشیه می‌رود، بلکه تاریخ هم از نو نوشته می‌شود. گویی پیروزی بر نازیسم فقط به چند کشور خاص مربوط بوده و نقش شوروی سابق که میلیون‌ها کشته در این مسیر داد، باید کم‌رنگ شود، چون امروز سیاست‌ها همسوی نیستند.

سیاستمداران اروپایی - آن‌گونه که لاوروف گفت - بیش از آنکه دغدغه واقعیت میدانی داشته باشند، به دنبال تثبیت جایگاه سیاسی خود از طریق تکرار شعارهای ضدروسی هستند. این الگو، اگرچه قدیمی است، اما هنوز جواب می‌دهد: «یک دشمن بساز، تا اتحاد درونی‌ات حفظ شود». همانند دهه‌های گذشته، روسیه باز هم به دشمنی ایدئولوژیک برای غرب بدل شده است. اما آنچه امروز تفاوت دارد، نه فقط شدت تقابل، که بی‌پروایی در بازنویسی تاریخ و مصادره اخلاق است. به جای گفت‌وگو، طرد؛ به جای تعامل، تهدید؛ و به جای احترام متقابل، سیاست‌های یک‌جانبه. در این فضای قطبی، سخن از «نازیسم نو» ممکن است افراطی به‌نظر برسد، اما کافی است نگاهی به نشریات راست‌افراطی اروپا، احزاب تندرو و سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه مهاجران، مسلمانان و شرقی‌ها بیندازیم. آیا این‌ها بذرهای همان ایدئولوژی نیست که روزگاری اروپا را به آتش کشید؟

مقاومت در برابر تک‌صدایی جهانی

سیاست خارجی غرب، به‌ویژه در قالب اتحادیه اروپا، در حال نزدیک‌شدن به چیزی است که می‌توان آن را «یادگیری معکوس» نامید. به جای اینکه از جنگ‌های

اهمیت معافیت‌های

مالیاتی بر رونق تولید

سارا نصرتی

تولید را می‌توان مهم‌ترین رکن و اساسی‌ترین مسئله در اقتصاد یک کشور برشمرد و افزایش و رونق تولید را می‌توان مهم‌ترین عامل در پیشرفت و تعالی کشور، نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در تمام زمینه‌های دیگر همچون موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی و فناوری و حتی سیاست داخلی و خارجی دانست. در واقع کشوری که در آن تولید شرایط مطلوب و روبه رشدی داشته باشد، اقتصاد آن کشور از ثبات و رشد مناسبی برخوردار خواهد بود و کشوری که اقتصاد با ثبات و رو به رشدی داشته باشد، اهتمام، تمرکز و قدرت بالاتری در پرداختن به موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی و فناوری خواهد داشت و در سیاست خارجی با اقتدار و صلابت بالاتری رفتار خواهد کرد و سیاست‌های داخلی را نیز با قوت و ثبات بالاتری اجرا خواهد نمود. نقش مالیات در حمایت از تولیدات داخلی بسیار چشمگیر است؛ نخست آنکه با افزایش مالیات بر کالاهای وارداتی می‌توان به رونق هرچه بیشتر تولیدات داخلی مبادرت نمود. دوم آنکه با حمایت از تولیدات داخلی در قالب ارائه معافیت‌ها، مشوق‌ها و رفع موانع تولید، می‌توان زمینه افزایش درآمد‌های مالیاتی را فراهم ساخت که این امر در نهایت منجر به رشد منابع مالی دولت می‌گردد. بنابراین با ابزار مالیات می‌توان به گونه‌ای عمل کرد که هم تولید کنندگان و هم دولت به عنوان رکن اجرایی نظام، از مزایای رشد تولید در کشور بهره‌مند گردند. در واقع معافیت‌های مالیاتی، به عنوان بخشی از سیاست‌های مالی کشورها، می‌توانند نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی ایفا کنند. این معافیت‌ها، که می‌توانند موقت یا دائمی باشند، به دولت‌ها اجازه می‌دهند تا با کاهش بار مالیاتی در بخش‌های هدف، زمینه را برای رشد و شکوفایی آن‌ها فراهم کنند. کسب و کارهای کوچک بخش مهمی از چرخه اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهند و همه افراد جامعه به آن نیاز دارند. دولت با فراهم آوردن شرایط معافیت مالیاتی، بار بزرگی از دوش چرخه اقتصادی برمی‌دارد و به بهبود وضعیت بنگاه‌های اقتصادی کمک می‌کند. این کار علاوه بر نقش حمایتی، باعث افزایش قدرت اقتصادی نیز می‌شود. در واقع دولت با این کار علاوه بر توسعه بخش اقتصادی، کلیت جامعه را به سمت طرح‌های عام المنفعه و کم‌بازده سوق می‌دهد. تمام این فرایند به عنوان بخشی از سیاست‌های حمایتی دولت برای رسیدن به اهدافش اجرا می‌شود. همچنین معافیت مالیاتی در کشورهای دیگر نیز به عنوان روشی برای توسعه اقتصادی مورد توجه قرار دارد.



«نماینده مجلس»: کشور نیازمند تحول جدی در حکمرانی آب است

استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های قوه قضاییه، فرهنگستان علوم کشور و مدیریت بحران وزارت کشور هر کدام به صورت جداگانه در موضوع آب ورود کرده‌اند و هر کدام یا سند می‌نویسند یا سیاست کلان یا استراتژی؛ در کجای دنیا این چنین حکمرانی می‌کنند؟ یزدیان افزود: بحران آب اکنون فقط در فلات مرکزی نیست در استان‌های پرآب کشور هم بحران داریم، در استان‌های شمالی حاشیه دریای خزر مشکل آب شرب داریم، در خوزستان یک صنعت نیشکر بیش از سه میلیارد متر مکعب آب مصرف می‌کند، در کنار آن در همان استان هزاران روستا و شهر مشکل آب شرب دارند، این یعنی نظام حکمرانی آب در کشور اختلال دارد، آیا بهتر نیست هر کسی کار خود را انجام دهد؟ هر دستگاهی وظیفه خود را بشناسد و عمل کند، وزارت نیرو به عنوان دستگاه تخصصی در یک استان ۱۷ طرح پمپاژ آب را غیرقانونی می‌داند، اما یک قاضی در دستگاه قضایی همه را مجوز می‌دهد.

فرونشسته‌اند، قنات‌هایی که خشکیده‌اند، کشاورزان زحمتکشی که بیکار شده‌اند و رودهایی که دیگر زنده نبوده و تالاب‌هایی که مرده‌اند. وی با تأکید بر اینکه کشور نیازمند تحول جدی در حکمرانی آب است، افزود: کشور به یک تحول جدی در مدل حکمرانی در موضوع آب نیازمند است، حکمرانی مبتنی بر روش‌های علمی، بر پایه عدالت و فارغ از نگاه‌های صرفاً محلی و به دور از احساسات و هیجانات زودگذر.

نماینده اصفهان در مجلس با طرح این پرسش که در سال‌های اخیر چند دستگاه در موضوع آب ورود کرده‌اند؟ اظهار کرد: شورای عالی انقلاب فرهنگی سند جامع کشاورزی دانش‌بنیان می‌نویسد، اکنون در حال نوشتن سند جامع آب است. شورای عالی امنیت ملی کشور چندین جلسه با موضوع نقشه راه آب کشور برگزار می‌کند، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، معاونت علمی رئیس جمهور، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز بررسی‌های



نماینده مردم اصفهان در مجلس با بیان این که کشور نیازمند تحول جدی در حکمرانی آب است، بیان کرد: باید حکمرانی مبتنی بر روش‌های علمی، بر پایه عدالت و فارغ از نگاه‌های صرفاً محلی و به دور از احساسات و هیجانات زودگذر ایجاد کنیم. حام یزدیان در جلسه علنی روز گذشته مجلس در نطق میان دستور با بیان اینکه امروز کشور با چالش‌ها و بحران‌های جدی مواجه است، گفت: امروز با دشت‌هایی مواجه هستیم که

حرف‌ها بزرگ‌اند، اما گر‌ها هنوز کور مانده‌اند...

یاسمن یزدانی

در روزگاری که فقر سرمایه‌گذاری در ایران به پدیده‌ای ساختاری بدل شده و تولیدکنندگان یکی پس از دیگری زیر بار هزینه‌ها و بوروکراسی فرساینده خم می‌شوند، صحبت از «چاپ‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری»، «رفع موانع تولید» و «احیای بنگاه‌های راکد» از زبان مقامات، دیگر به‌تنهایی نه الهام‌بخش است و نه حتی خبر خوش. بلکه بیشتر به دیالوگ‌های تکراری یک سریال تبدیل شده‌اند که مخاطب دیگر از دیدنش سر باز می‌زند.

مجتبی عبداللهی، استاندار البرز، در تازه‌ترین سخنان خود به مناسبت نامگذاری سال ۱۴۰۴ با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید»، از اجرای برنامه‌ای منسجم به نام «شنبه‌های اقتصادی» در استان خبر داد؛ برنامه‌ای که قرار است از طریق نشست‌های هفتگی در اتاق بازرگانی یا بازدیدهای میدانی از واحدهای تولیدی، گره‌گشای مشکلات بخش خصوصی باشد. اما پرسش جدی اینجاست: آیا البرز واقعاً نیاز به تقویم دارد یا به عمل؟ آیا تولیدکنندگان بیش از آنکه به حضور مقامات در بازدیدهای نمادین نیاز داشته باشند، محتاج شنیدن و پاسخ گرفتن از کسانی نیستند که سال‌هاست در جلسات، قول می‌دهند اما در واقعیت، بوروکراسی به مراتب پیچیده‌تر می‌شود؟

ادعای استاندار مبنی بر پیش‌تاز بودن البرز در «احیای بنگاه‌های راکد» هم اگرچه در ظاهر غرورآفرین است، اما در میدان عمل، صدای بسیاری از کارآفرینان شنیده نمی‌شود که نته‌ها واحدهایشان هنوز درگیر تامین مواد اولیه، بدهی‌های بانکی، مجوزهای تودرتو و قطعی برق هستند، بلکه اساساً هیچ نشانی از تسهیل‌گری در مسیر بازگشت به تولید نمی‌بینند. بسیاری از این بنگاه‌ها به‌صورت صوری و در قالب چند گزارش بازگشایی شده‌اند اما در عمل یا تعطیل‌اند یا نیمه‌جان. در همین راستا، وقتی استاندار البرز از «لزوم جبران ناترازی برق» می‌گوید و به نیروگاه‌های CHP و پنل‌های خورشیدی اشاره می‌کند، خوب است یادآوری کنیم که بسیاری از شهرک‌های صنعتی البرز همچنان زیرساخت اولیه برای اجرای این طرح‌ها را ندارند. در سال گذشته، همین قطعی‌های برق چندین واحد را به مرز تعطیلی کشاند و خسارت‌های میلیاردی به برخی از آن‌ها وارد شد. این‌که طرح‌هایی با نام‌های پرطمطراق مطرح شوند اما در عمل به دلیل نبود حمایت مالی، بی‌برنامگی اجرایی و فقدان اراده سیاسی روی زمین بمانند، تجربه‌ای است که تولیدکنندگان البرزی به‌خوبی با آن آشنا هستند.

حتی ایده برگزاری «همایش سرمایه‌گذاری» با رویکرد آسیب‌شناسانه، در صورتی که به فراتر از نمایش و ارائه پاورپوینت‌های رنگارنگ نرود، دردی از بخش خصوصی دوا نخواهد کرد. تا زمانی که فرآیندهای اداری تسهیل نشود، دستگاه‌های اجرایی پاسخگو نباشند، مجوزها در کمتر از شش ماه صادر نشوند و بانک‌ها با دست باز به وام‌گیرندگان تولیدی نگاه نکنند، نه سرمایه‌گذار داخلی اعتماد خواهد کرد و نه سرمایه‌گذار خارجی جرات ورود به میدان خواهد داشت. گفتار مجتبی عبداللهی شسته‌رفته است و در ظاهر، الگویی ایده‌آل برای حکمرانی محلی به‌نظر می‌رسد. اما درد اینجاست که در کف خیابان و در کارگاه‌های نیمه‌تعطیل کرج و فردیس و نظرآباد، بسیاری از تولیدکنندگان حتی نای گوش دادن به این جملات را ندارند. آن‌ها به «نتیجه» نیاز دارند، نه «نطق».

استاندار البرز باید بداند که چالش امروز استان نه در کمبود طرح و جلسه و همایش، بلکه در شکاف عمیق میان شعار و واقعیت نهفته است؛ شکافی که تا پر نشود، تولیدکننده نه تنها احیا نمی‌شود، بلکه با هر گام تازه دولت، یک گام به ترک کسب‌وکار نزدیک‌تر می‌شود.

البرز استان برتر در اجرای طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت شد

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان البرز گفت: این استان در کنار استان‌های خراسان رضوی و کرمانشاه به عنوان استان برتر در اجرای طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت شناخته شد. «اصغر بیات» افزود: این موفقیت حاصل برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی درون سازمانی و تعامل سازنده با سایر دستگاه‌های اجرایی استان البرز بوده است. وی بیان کرد: عملکرد موفق استان در زمینه تولید، توزیع و کاشت نهال، مورد تایید نهادهای نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور، بازرسی وزارت جهاد کشاورزی و بازرسی و ارزشیابی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور قرار گرفته است.



دنیای سوادار

دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۱۷۹۴

۳ در شهر

از «البرز» چه خبر؟

«رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان البرز» اعلام کرد:

برگزاری آموزش سلامت باروری برای ۶۲۰ هزار مادر البرزی

سرافزای سلامت، آینده ای سرآمد» گفت: یکی از اولویت‌های مهم امسال هفته سلامت و برنامه‌های سال جاری تاکید بر مراقبت از نوزادان، جنین و سلامت مادران است و تلاش تیم سلامت بر ارتقای شاخص‌های حفظ سلامتی نوزادان و مادران خواهد بود. رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز افزود: خدمات مراقبتی و مشاوره ای مادران باردار و نوزادان به صورت رایگان در مراکز بهداشتی سطح استان انجام می‌شود. یکم تا هفتم اردیبهشت ماه هفته سلامت نامگذاری شده است.

بیش از ۱۰ هزار مادر باردار نیازمند مراقبت ویژه طی سه سال گذشته در البرز توسط تیم سلامت تحت پوشش قرار گرفتند و بیش از چهار هزار کودک پرخطر استان نجات یافتند.

و پوشش ۹۵ درصدی غربالگری شنوایی و سلامت گوش نوزادان انجام شده است. وی بیان کرد: میزان مرگ نوزادان در البرز در هر یک هزار تولد زنده در سال ۱۴۰۳ روند کاهشی داشت اما نیاز است با بهبود دسترسی به مراقبت‌های دوران بارداری و گسترش برنامه‌های آموزشی برای مادران باردار این شاخص به صفر برسد. صیادی گفت: بیش از ۱۰ هزار مادر باردار نیازمند مراقبت ویژه طی سه سال گذشته در البرز توسط تیم سلامت تحت پوشش قرار گرفتند و بیش از چهار هزار کودک پرخطر استان نجات یافتند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز ادامه داد: اکنون از طریق ۳۵۴ مرکز و پایگاه و خانه بهداشت در استان البرز خدمات رایگان به مادران باردار، نوزادان و کودکان ارائه می‌شود.

وی بیان کرد: این ۳۵۴ مرکز، پایگاه و خانه بهداشت در استان با ارائه رایگان خدمات بهداشتی و مراقبتی در سطوح اولیه، نقش مهمی در پیشگیری از بیماری‌ها و حفظ سلامتی مادران، نوزادان و کودکان دارند. صیادی با اشاره به شعار هفته سلامت با عنوان «



رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان البرز اعلام کرد: ۶۲۰ هزار مادر طی سه سال گذشته در این استان آموزش سلامت باروری را فرار گرفتند.

دکتر «شهرام صیادی» روز یکشنبه به مناسبت فرا رسیدن هفته سلامت و مراقبت از نوزادان و مادران به خبرنگاران گفت: در این مدت ۱۳ هزار نوزاد از نظر بیماری‌های متابولیک در استان البرز غربالگری شدند

«شهردار فردیس» پیشرفت ۲۲ درصدی پروژه تقاطع غیرهمسطح امام علی (ع)



نشست کارگاهی تقاطع غیرهمسطح امام علی (ع) (کچویی) امروز با حضور شهردار و جمعی از مدیران شهرداری و پیمانکاران برگزار شد. نحوه اجرای عملیات جابجایی انشعابات و لوله گذاری آب، اجرای دیوار جدید جهاد کشاورزی، ایجاد محدودیت ترافیکی در مسیر لوله‌گذاری انشعابات مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

به گزارش «دنیای سوادار»، محمدرضا احمدی نژاد شهردار فردیس، در این نشست پیشرفت فیزیکی پروژه تقاطع غیرهمسطح را بیش از ۲۲ درصد اعلام کرد و گفت: بیش از ۲۳۰ شمع باید در این پروژه اجرا شود که تا کنون ۶۵ شمع اجرا شده و کار در چند جبهه همزمان در حال اجراست. علاوه بر جابجایی معارضات و شمع گذاری ها، اجرای دیوارجایگزین اداره جهاد کشاورزی در حال اجراست.

وی بر لزوم رفع موانع و معارضات پروژه تأکید و اظهار کرد: طبق پیش بینی های انجام شده، جابجایی انشعابات در مسیر اجرای پروژه ۲ ماه زمان می برد. اقدامات لازم برای جابجایی انشعابات

موجود در مسیر اجرای پروژه در اسرع وقت و بدون تأخیر انجام شود.

شهردار فردیس همچنین با اشاره به اهمیت مسیر اجرای پروژه در تردد شهروندان، افزود: با توجه به لزوم جابجایی انشعابات، ایجاد محدودیت درمعبراجتناب ناپذیر است. ضمن پوزش از شهروندان، تقاضا داریم با انتخاب مسیر جایگزین عوامل عمرانی را در اجرای این پروژه همراهی کنند.

جریمه قاچاقچی سوخت در البرز

وی گفت: مشارکت مردمی در این مسیر، تضمین‌کننده موفقیت پایدار طرح در سال‌های آینده خواهد بود و اجرای طرح در سال جاری با کیفیت و اثربخشی بیشتری دنبال شود.

رزاقی گفت: مأموران پلیس امنیت اقتصادی فرماندهی انتظامی هنگام گشت زنی از یک دستگاه خودرو این محموله سوخت را به ظن قاچاق کشف و گزارش آن را برای رسیدگی به تعزیرات حکومتی ارسال کردند.

مدیرکل تعزیرات حکومتی البرز از جریمه یک میلیارد ریالی قاچاقچی سوخت در این استان خبر داد. «سلیمان رزاقی» گفت: پرونده قاچاق ۲ هزار و ۵۰۰ لیتر نفت به ارزش ۸۴۲ میلیون ریال در شعبه دهم بدوی و ویژه رسیدگی به تعزیرات حکومتی کرج رسیدگی شد. وی افزود: شعبه باتوجه به مدارک موجود در پرونده، اتهام انتسابی را محرز و علاوه بر ضبط سوخت کشف شده متخلف را به پرداخت یک میلیارد و ۶۸۴ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد.



آمنه شکوهی، شاعر و نویسنده‌ای با سابقه و خوش قلم، به زودی با دو رمان تازه، بار دیگر به صحنه ادبیات داستانی کشور بازمی‌گردد. «اندوه پراکنده» و «پرتال رنگ‌ها» نام دو اثری‌ست که این روزها مراحل نهایی انتشار را پشت سر می‌گذارند و به‌زودی روانه بازار کتاب خواهند شد.

به گزارش «دنیای هوادار»، شکوهی که نزدیک به سه دهه است در عرصه شعر و ادبیات فعالیت می‌کند، در این دو رمان، دو مسیر روایی متفاوت را برگزیده، اما همچنان در هر دو، امضای شخصی‌اش در روایت‌های زنانه، دغدغه‌های درونی و نگاه شاعرانه‌اش به جهان، مشهود است.

«اندوه پراکنده» رمانی‌ست واقع‌گرا، روایت‌شده از زبان اول شخص. داستانی که در بستر زندگی یک خبرنگار زن در دنیای معاصر شکل می‌گیرد و ضمن پرداختن صمیمی و نرم، به لایه‌هایی از تنهایی، مقاومت و کشمکش‌های شخصی در دل جامعه شهری می‌پردازد. فضای داستان، همزمان ساده و ملموس است، اما بی‌آن‌که از ژرفای روان‌شناختی شخصیت اصلی فاصله بگیرد.

در نقطه مقابل، «پرتال رنگ‌ها» با حال‌وهوایی خیال‌پردازانه و شاعرانه، قدم در دنیایی متفاوت می‌گذارد. شکوهی در این رمان، با بهره‌گیری از زبانی تصویری و فضایی ذهنی، کوشیده جهانی خلق کند سرشار از حس، رنگ و ادراکات درونی. جهانی که مخاطب را دعوت می‌کند به تجربه‌ای بینابینی از هنر، خیال و عواطف انسانی.

نویسنده درباره این دو اثر چنین می‌گوید: «هر دو رمان، از دل تجربه‌های شخصی و زیسته من بیرون آمده‌اند. در اندوه پراکنده به زندگی روزمره و دغدغه‌های زنان امروز پرداخته‌ام و در پرتال رنگ‌ها، بیشتر تلاش کرده‌ام ذهنم را رها کنم و از خلال خیال و تصویر، به لایه‌های پنهان‌تری از انسان دست پیدا کنم.»

انتشار این دو رمان توسط یکی از ناشران معتبر کشور در دستور کار قرار دارد و علاقه‌مندان به ادبیات معاصر، به‌زودی می‌توانند با دو روایت تازه از آمنه شکوهی، روبه‌رو شوند.



مجمع عمومی و انتخابات هیات مدیره مرکزی خانه تئاتر در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار شد و انصراف شهاب حسینی در آخرین دقایق رای‌گیری از شرکت در این انتخابات به عنوان نامزد، از اتفاقات مهم مجمع عمومی بود. در مجمع عمومی و انتخابات هیات مدیره مرکزی «خانه تئاتر» نام شهاب حسینی به عنوان یکی از نامزدهای هیات مدیره مرکزی خانه تئاتر اعلام شده بود. این بازیگر قبل از آغاز رای‌گیری از انصراف خود از حضور در هیات مدیره خانه تئاتر خبر داد و در یادداشتی دلیل این کار را مشغله‌های متعدد عنوان کرد.



پروین حیا کرد، درویش رها کرد...!

مجید سعیدی

پرسپولیس به نوسازی نیاز دارد. به تغییر و تحولی آگاهانه، هدفمند و با برنامه، برای قرار گرفتن در مسیر رشد و تعالی...!

فوتبال، صنعتی شده است پول‌ساز، که سرعت رشد علمی‌اش - چه از نظر ماهوی و چه از نظر شکلی - قابل تصور و پیش‌بینی نیست.

پرسپولیس تحت سیطره تفکرات مدیریت علی‌اصغری و هیئت (۱) و اساساً از زمان مرحوم جعفر خان کاشانی، از فضای رقابتی عقب مانده است. باید هرچه زودتر این عقب‌ماندگی جبران شود و باشگاه در مسیر تعالی قرار گیرد. پرسپولیس برای تبدیل شدن به یک باشگاه واقعی (توجه کنید: صحبت از باشگاه می‌کنم، نه صرفاً تیم فوتبال)، از ظرفیت و پتانسیل لازم برخوردار است؛ چه از لحاظ برخورداری از هوادار، و چه منابع مالی که بانک شهر تأمین می‌کند، و البته «برند»ی که فراستانی و فراملی است... باید از این ظرفیت‌ها در مسیر توسعه استفاده کرد.

بهره‌مندی مطلوب از این منابع عظیم و بالقوه، مستلزم

همان روزهایی که علی پروین (رفیق گرمابه و گلستان رضا درویش) اعلام کرد اهل قسم نیست، اما در هر عبارتی که به زبان آورد به امام رضا (ع) قسم خورد (!) که دخالتی در پرسپولیس ندارد، واضح بود که از پرسپولیس زمزمه «الرحمن» بلند است و عن‌قریب تغییری در راه است. در واقع، پروین برای اینکه در دوران پس‌درویش همچنان در پرسپولیس دارای نفوذ باقی بماند (!) با سرعتی مافوق نور از یار غار خود عبور کرد تا بتواند در اتوبان یک‌طرفه همچنان تخت‌گاز برود...؟!

بعد از اعتراض هواداران پرسپولیس به ادامه فعالیت رضا درویش، بالاخره او اراضی به بلند شدن از صندلی مدیریت گردید. اینکه چه کسی صندلی مدیریت پرسپولیس را تصاحب خواهد کرد، محل گمانه‌زنی بسیار است. اما آنچه مسلم است، پرسپولیس اکنون که همه‌جام‌ها را از دست داده، نیازمند یک پوست‌اندازی اساسی است؛ هم داخل زمین، هم خارج از مستطیل سبز.



برخورداری از یک مدیر قوی است؛ مدیری با صلابت و توانمند که از ویژگی‌های لازم و کافی برخوردار باشد. ویژگی‌های رفتاری و ادراکی، شرط لازم‌اند، اما مهارت‌های مدیریتی برای اداره مجموعه عظیم پرسپولیس - که برد و باختش آثار اجتماعی دارد - بسیار حائز اهمیت است. دوره مدیریت سنتی سال‌هاست به پایان رسیده؛ یعنی از همان بازی با فجر سپاسی در استادیوم آزادی که به باخت ۴ بر ۲ پرسپولیس انجامید، فاتحه مدیریت علی‌اصغری خوانده‌شد!

پرسپولیس، مدیریت نوین می‌خواهد؛ مدیری که برای نشستن روی صندلی ریاست و حفظ آن، بدهکار لابی‌گری نباشد.

فرونشست در اصفهان، ناقوس مرگ تمدن و طبیعت است؛ نقش جهان در خطر نابودی، زاینده‌رود در آستانه فراموشی

فراز اسدی

نقش جهان وجود دارد، به شدت آسیب‌پذیرند. اختلاف ارتفاعی کوچک، می‌تواند به ترک‌های بزرگ منجر شود؛ و این ترک‌ها، فقط بر دیوارها نمی‌افتند، بلکه بر پیکره تاریخ و اقتصاد و زندگی مردم نیز وارد می‌شوند.

مظلوم‌ترین صدا، صدای زمین است

«تنها مظلومی که صدایش شنیده نمی‌شود، زمین است»؛ جمله‌ای از بیت‌اللهی که می‌توان آن را شعار کمپینی ملی برای حفاظت از منابع طبیعی ایران قرار داد. فرونشست، فراتر از بحران اصفهان، چهره‌ای از فروپاشی تدریجی سرزمین ماست. سرزمینی که بر شاه‌های تاریخی، طبیعی و انسانی‌اش بیش از تواتش بار نهاده‌ایم. امروز، بیش از ۵۲ درصد از ۳۱ هزار بنای تاریخی کشور در معرض خطر فرونشست قرار دارند. ۶۳ سایت ثبت جهانی، ۲۷ مورد تهدید مستقیم را تجربه می‌کنند. این آمار فقط هشدار نیست، اعلام وضعیت قرمز است. راهکارهایی چون جاری‌سازی حداقلی زاینده‌رود، اصلاح الگوی کشاورزی، حمایت از کشاورزان در تغییر شغل، مدیریت کلان آب، ممنوعیت ساخت‌وساز در پهنه‌های فرونشستی و اصلاح برنامه‌ریزی شهری باید فوراً به اجرا گذاشته شوند. اما همه این‌ها بدون اراده ملی، تخصیص منابع، تغییر سیاست‌های توسعه و آگاهی عمومی به جایی نمی‌رسد. فرونشست، فقط تهدید زمین نیست؛ تهدید حیات است. فرونشست، اگر جدی گرفته نشود، مقدمه‌ای‌ست برای بحران‌هایی چندوجهی: کوچ اجباری، فقر آبی، مهاجرت معکوس، سقوط گردشگری، تخریب تاریخ، و در نهایت کاهش کیفیت زندگی میلیون‌ها ایرانی. و حال، ما بر سر دوراهی‌ای ایستاده‌ایم: یا فریاد زمین را بشنوم و تصمیم بگیریم، یا آرام آرام بر گور آبی کهن‌مان، گل بگذاریم.

صراحت بیان می‌کند، عمق انسانی و تمدنی این پدیده است. نشست ۱۵ سانتی‌متر در سال، معادل سه متر در ۲۰ سال، فقط یک عدد نیست. این عدد یعنی خطر فروپاشی بناهای تاریخی، شکاف در خانه‌های مردم، اختلال در زیرساخت‌ها، از بین رفتن اراضی کشاورزی و در نهایت کوچ اجباری و فقر؛ و بدتر از همه، تأثیرات برگشت‌ناپذیر آن است. زمانی که آبخوان فشرده می‌شود، خاک دیگر قابلیت ذخیره آب ندارد؛ حتی اگر بارندگی افزایش یابد. این یعنی ورود به مرحله «مرگ منابع»، مرحله‌ای که بازگشتی برای آن متصور نیست.

زاینده‌رود، فقط یک رودخانه نیست؛ یک نماد تمدن است در حریم ۴۰۰ متری زاینده‌رود، کشت‌وکار ادامه دارد. بیت‌اللهی از سیاست «نکشت» سخن می‌گوید؛ رویکردی که اگرچه سخت است، اما شاید آخرین راهکار برای نجات آبخوان‌ها باشد. رشد هفت‌برابری باغات بالادست سد زاینده‌رود نسبت به سال ۱۳۷۰، خود گویای عدم توازن شدید در مصرف منابع است. با ادامه این روند، نه زاینده‌رودی باقی می‌ماند، نه گاوخونی‌ای، نه آبی برای مردم. زاینده‌رود تنها یک رودخانه نیست. رودخانه‌ای‌ست که نقش جهان را شکل داده، قنات‌ها و آسیاب‌ها را زنده کرده، تمدن صفوی را تغذیه کرده و اکنون در سکوت، بی‌جان بر بستر خاک افتاده است. خشک شدن آن، مرگ تدریجی هویت و حافظه تاریخی مردمی‌ست که هزار سال در کنار آن زیسته‌اند. در حالی که دولت، اصفهان را به عنوان قطب گردشگری معرفی می‌کند، ساختارهای اقتصادی و مدیریتی نه تنها حامی این هدف نیستند، بلکه در تضاد کامل با آن قرار دارند. فرونشست، شکاف در خاک، تهدید بناهای تاریخی، و تخریب منظر شهری، سرمایه‌های گردشگری را تهدید می‌کنند. سازه‌های بدون اسکلت تاریخی، مانند آنچه در میدان

در دل نصف‌جهان، زیر سنگ‌فرش‌های نقش‌جهان، در امتداد زاینده‌رود خشک، چیزی آرام و خاموش در حال مرگ است؛ آبخوان‌ها. آنچه علی بیت‌اللهی، رئیس بخش ژئولوژی مرکز تحقیقات وزارت راه، آن را «مرگ آبخوان» نامید، تنها یک هشدار علمی نیست؛ این آغاز یک فاجعه انسانی، تاریخی و زیست‌محیطی است که پیامدهای آن، فراتر از یک استان و یک نسل خواهد بود. اصفهان دیگر تنها یک شهر تاریخی نیست. اصفهان امروز شبیه بیماری است که هر روز با نشانه‌ای تازه از تحلیل رفتن بدنش روبه‌رو می‌شود؛ شکاف‌هایی که بر سطح زمین ظاهر می‌شوند، نه فقط زخم‌هایی بر خاک، بلکه آینه‌ای از زخمی عمیق‌تر در اعماق زمین‌اند؛ جایی که ذخایر آبی برای همیشه از دست می‌روند. سه و نیم میلیون نفر در شعاع صد کیلومتری اصفهان زندگی می‌کنند. این یعنی فشار بیش از حد بر منابع طبیعی، خاک، آب و هوا. آن‌گونه که بیت‌اللهی هشدار می‌دهد، تمرکز این میزان جمعیت بر منطقه‌ای با بحران مزمن آب، در عمل یعنی پیش‌روی به سمت نابودی تدریجی. این معادله ساده است: وقتی ظرفیت زیستی یک منطقه محدود است، تراکم بی‌برنامه جمعیتی به فروپاشی آن می‌انجامد. سیاست‌های مهاجرتی توسعه شهری بی‌قاعده، و نبود عدالت فضایی در توزیع جمعیت، همگی منجر به این تمرکز شده‌اند. در غیاب یک برنامه کلان‌نگر برای توزیع پایدار جمعیت و اصلاح الگوی توسعه، اصفهان از «کلان‌شهر» به «کلان‌مسأله» بدل می‌شود.

فرونشست، فقط یک پدیده زمین‌شناختی نیست

فرونشست برای بسیاری، پدیده‌ای فنی است که در آمار و نمودارها تعریف می‌شود. اما آنچه بیت‌اللهی با



عفت نجار نوبری مدیر انتشارات طراوت و عضو هیات موسس و هیات مدیره انجمن فرهنگی هنری زنان ناشر درگذشت. مراسم تشییع و تدفین او روز گذشته ساعت ۱۰ صبح از مقابل سالن تظہیر عروجیان بهشت زهرا(س) به سوی آرامگاه ابدی ایشان واقع در قطعه ۳۰۹ ردیف ۵۰ شماره ۳۳ برگزار شد. مجلس ختم این ناشر نیز روز امروز، دوم اردیبهشت ۱۴۰۴ از ساعت ۱۵ الی ۱۶:۳۰ در مسجد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) منعقد می‌شود.

نگاهی به «واپسین سرود میفونه» ساخته کراگ - یاکوبسن؛

«دگما سه»

امیرحسین بهروز

یک- همه چیز از دهه بیست شروع شد؛ آن زمان که «ژیکا ورتوف» فریاد برآورد که درام و داستان افیون توده‌هاست و فیلم‌سازان جوان را به ساختن فیلم‌های غیرداستانی با مضامین سیاسی تشویق کرد. این سنت بیانیه‌دادن و بره‌انداختن جنبش نسل به نسل ادامه یافت. نئورئالیست‌ها آمدند و پس از آن‌ها موج نویی‌های فرانسه، جنبش اوبرهاوزن و سینمای نوین آلمان آمد و سرانجام دگما ۹۵. این آخری اما کمی ویژه‌تر بنظر می‌رسید. انقلاب آن‌ها در یک نگاه ابتدایی بی‌منطق می‌نمایاند. بیشتر شبیه بهانه‌گیری‌های کودکان بود. کودکانی که سرمست از بازی‌هایشان ناگهان خوشی دلشان را زده و به این فکر می‌افتند که به همه چیز پشت کرده و قوانین جدیدی برای خود و مخصوص بازی‌های شخصی‌شان تبیین کنند.

با نگاهی دقیق‌تر به قوانین ده فرمان فرمالیستی عجیب‌شان متوجه این حقیقت مهم می‌شویم که آنان می‌خواهند در جایگاه موسای نبی، پیامبری باشند برای رهنمون کردن همتایانشان به سمتی خلاف جریان موجود. آنان در سال ۱۹۹۵ فریاد برآوردند که «هدف والای سینماگران منط این است که تماشاگران را فریب دهند. آیا این تمام چیزی است که به آن مباحث می‌کنیم؟ آیا این تمام چیزی است که صد سال سینما برای ما به ارمان آورده است؟»

آن‌ها حتی مفهوم مؤلف و تئوری آن را یک توهم بورژوازی خواندند و عملاً سینمای ضد بورژوازی موج نوی فرانسه را یک سینمای در خدمت بورژوازی دانستند. از همین رو آنان از فیلم‌سازان آوانگاردی که تمایل به تمسک‌جستن به مانیفیست‌شان را داشتند، خواستند که برای دوری از فردگرایی، فیلم‌های خود را در قالبی متحدالشکل عرضه کنند. قالبی که در سوگندنامه‌ای با عنوان «سوگند پاک» شامل ده فرمان می‌شد و بطور مشخص در قانون دهم توضیح می‌داد که اولاً کارگردان نباید سرمایه‌گذار فیلم باشد و ثانیاً نامش نباید در ابتدای فیلم بیاید.

بدین ترتیب در سال ۱۹۹۸ و در جشنواره کن دو فیلم نخست این جنبش به نمایش درآمدند. دگما یک و دگما دو. دگما یک همان فیلم «جشن» به کارگردانی توماس وینتربرگ بود و دگما دو هم فیلم «احمق‌ها» به کارگردانی لارس فون تریه؛ اثری که دومین فیلم از سه گانه قلب طلایی فون تریه محسوب می‌شد. بیزاری فیلم‌سازان جنبش دگما ۹۵ با بحث مؤلف‌گرایی و ثابت‌قدم‌بودنشان در این راه کاملاً در عناوین آثارشان پیداست.

آن‌ها به شکل افراطی و در جهت بحث متحدالشکل‌بودن آثار، بجای عناوین اصلی فیلم‌هایشان از کلیدواژه اصلی جنبش یعنی دگما به اضافه عددی که ترتیب ساخته‌شدن آثار از زمان نگارش مانیفیست این جنبش را نشان می‌داد، استفاده می‌کردند. بدین ترتیب دو فیلم نخست دیده شد و صدای جنبش از کلمات قانون ده فرمانی فراتر رفت و به سطح عملی و تصویر دگرگون‌ساز رسید. حال پس از این دو فیلم نوبت فیلم سوم بود؛ یا به عبارتی دیگر دگما سه.

دو- سورن کراگ یاکوبسن شصت‌ساله‌ترین فرد جنبش بود و به شکل معناداری گمنام‌ترین فرد جنبش تا امروز. یک‌سال پس از آثار وینتربرگ و فون تریه، او سومین فیلم جنبش را با نام اصلی «واپسین سرود میفونه» ساخت. فیلمی که از

همان نماهای نخستینش نشان داد که ساز مخالف کوک کرده است. یاکوبسن با وجود سن بالاتر از نسبت به سه عضو دیگر، رویکردی رادیکال‌تر، پیچیده‌تر و حتی پرشورتر از خود بروز داد. فیلم با نمایی از یک مراسم عروسی و ورود عروس و داماد آغاز می‌شود. پس از گذشت چند نما، پدر زن از نقطه دید داماد با زاویه‌ای رو به بالا این نکته را مطرح می‌کند که آن‌ها می‌توانند در آغوش هم آرام بگیرند. پس از اتمام این جمله نما کات می‌شود به توشات عروس و داماد. درحالی که مرد سعی دارد تا دستش را دور گردن همسرش بیندازد تا به نوعی به حرف پدرزنش گوش کرده باشد، ناگهان نما کات می‌شود به صحنه معاشقه آن دو. از همین ابتدا مشخص می‌شود که فیلم‌ساز نه تنها با بدنه اصلی سینمای جهان که حتی با خود جنبش هم سر لج دارد!

در حین معاشقه، مرد دست به سمت یک کلید می‌برد اما زن کلید را از دست او جدا می‌کند. این لحظه درواقع کنش شخص فیلم‌ساز است. او با ما سخن می‌گوید. می‌گوید که این کلیشه‌های نمادگراییانه را رها کنید؛ دیگر دوران آن گذشته که مباحث جنسی و احیاناً عدم توانایی جنسی مردان را با وسیله‌ای مثل کلید نشان بدهیم. ما باید تحلیلگران روانکاوی و عشاق نماد را ناامید کنیم. ما نباید اجازه دهیم کسی چون ژیکر آثارمان را مصادره به مطلوب کند و از دل کلیدها و قفل‌هایباری مخاطبانش مرثیه‌سرای.

بنظر می‌رسد دگما سه دارد کار پیچیده‌تری می‌کند و علاوه بر رعایت اصول ده فرمان، گفت‌وگویی فراسینمایی ارائه می‌دهد. فیلم یاکوبسن در همان نماهای نخست بوضوح یا را فراتر از آثار وینتربرگ و فون تریه می‌گذارد. دو دگمای نخست صرفاً بدنبال ارائه یک پروژه عملی برای جنبش بودند. آن‌ها می‌خواستند نشان دهند که با قوانینی که تنظیم کرده‌اند، می‌شود فیلم ساخت. اما یاکوبسن تنها بدنبال یک پروژه عملی نبود. او نمی‌خواست صرفاً به مشق کردن اصول جنبش بپردازد. او می‌خواست در دل این جنبش حرفی بزند و از همین روست که او به عنوان یکی از مؤسسان دگما ۹۵، نگاهی پارادوکسیکال بدان داشت.

از طرفی در بیانیه این مانیفیست از تقابل آن‌ها با نگاه شخصی و مؤلف‌گرایی می‌خوانیم و از سوی دیگر در دگما سه نگاه تشخیص‌یافته یاکوبسن را به تماشای‌نشینیم. البته می‌توان جور دیگری هم به این جریان نگاه کرد. بنظر می‌رسد خیلی از نکات را نمی‌شد در قالب کلمات گنجاند و در مقام قانون تبیین کرد و یاکوبسن به خوبی این نکته مهم را درک کرده بود. شکی در این نیست که اساس علت وجودی چنین جنبش‌هایی، خلق انقلابی است در جهت مخالفت با سینمای جریان اصلی و تنظیم قوانین و ارائه بیانیه و مانیفیست و از این دست کارها که البته عموماً هم دیری نپاییده و شکسته می‌شوند.

در این میان بخش اصلی درواقع خود فیلم‌ها هستند. مانیفیست‌ها با فیلم‌هایی که بر اساسشان ساخته می‌شود، خود را می‌شناسانند. تأثیر از طریق تصویر است که وارد عمل می‌شود و دیالوگ برقرار می‌کند و این دقیقاً کاری است که «واپسین سرود میفونه» در تلاش است تا انجامش دهد. فیلم از سطح بیانیه دگما فراتر می‌رود و ضمن رعایت تمام آن قوانین حرف‌های تازه‌ای برای گفتن ارائه می‌دهد. این فیلم، هم در انتخاب مضمون و هم در بخش چگونگی پردازش آن کاری بیشتر از دو اثر پیشین می‌کند و خود در مقام یک فیلم‌مقاله قواعد و نکات مهمی را به ده فرمان الصاق می‌کند.

سه- یکی از مهم‌ترین جملات سوگندنامه دگما ۹۵ چنین است: «هدف متعالی من بیرون‌کشیدن حقیقت از درون شخصیت‌ها و صحنه است.» در بین سه فیلم یادشده، اثری که به معنای واقعی خود را به این جمله وفادار نشان داده، فیلم یاکوبسن یا به تعبیری دگما سه است. «جشن» و «احمق‌ها» آثاری هستند که بلحاظ داستانی به مرور موقعیتی را ایجاد می‌کنند. به بیان دیگر شخصیت‌ها (یا تیپ‌ها) در این دو فیلم بدلایی وارد یک موقعیت پیچیده با سایر آدم‌ها می‌شوند. آن‌ها از قبل دانشی نسبت به وضعیتشان ندارند و به نوعی در یک ثبات نسبی به سر می‌برند. این جهان داستان و تفکر خلاق فیلم‌ساز است که با ایجاد یک گره داستانی آدم‌ها را به سمت موقعیتی خاص سوق می‌دهد و جهان دوگانه‌ای را برمی‌سازد.

در فیلم «واپسین سرود میفونه» اما بخش اعظمی از اتفاقاتی که در طول فیلم می‌بینیم و موقعیت‌های یغرنجی که شخصیت اصلی فیلم در آن‌ها قرار می‌گیرد، مربوط است به پیش‌داستان و تمام آن چیزهایی که کارکتر پیش‌بینی‌شان می‌کرده است. حتی بلحاظ منطق سببی، پیش از بوجود آمدن گره دراماتیک فیلم با خبر مرگ پدر و بازگشت مرد به خانه پدری و پیش بردارش، ما متوجه دلیل علاقه او به دختری که به عنوان پرستار بردارش استخدام کرده بواسطه نماهای ابتدایی فیلم و آنچه تلویحاً با یک مچ‌کات دقیق در لحظه پایانی معاشقه مرد با زنش و رساندن پیامی با آلارم عدم لذت کافی نشان داده می‌شود، می‌شویم.

به بیان دیگر تمام این نکات منتج به این حقیقت می‌شود که شخصیت اصلی در دل موقعیت زاده شده است. اوست که منطق اصلی فیلم را تعیین می‌کند. اوست که هسته اصلی درام را شکل می‌دهد و در نهایت اوست که موقعیت‌ها و اتفاقات به سمتش سرازیر می‌شوند. یاکوبسن در جایگاه هنرمند، آدم فیلمش را به سمتی نمی‌کشانند بلکه گویی پیش از ساخته‌شدن اثر، آن آدم و گرفتاری‌های پیرامونش موجودند و فیلم‌ساز تنها به سمت او و جهانش می‌رود تا آن هدف متعالی جنبش را محقق کند: بیرون کشیدن حقیقت از درون شخصیت و صحنه. یاکوبسن برای ساختن این فیلم مفهومی را نساخته بلکه مفهومی را کشف کرده و صرفاً به ضبطش پرداخته است.

چهار- عنوان فیلم بسیار جالب توجه است. در مورد دو فیلم پیشین عناوین به کلیت جهان فیلم معطوف است. «جشن» در مورد مراسم گردهمایی یک خانواده بزرگ است. «احمق‌ها» در مورد جوانانی است که همه چیز را رها کرده و زندگی هیپی‌وار و کلی‌مسکانه‌ای را برگزیده‌اند.

اما در مورد «واپسین سرود میفونه» این قضیه اندکی متفاوت است. کلیدواژه «میفونه» در عنوان سه کلمه‌ای سومین فیلم جنبش دگما، در ظاهر ادای دینی است به توشیرو میفونه، بازیگر مطرح و فقید سینمای کلاسیک ژاپن که بنظر می‌رسد شخصیت اصلی و برادر ساده‌دلش علاقه ویژه‌ای به او دارند. حتی در یک نمای هوشمندانه سوپرتیتو، پس از معاشقه و پیش از اعلام خبر مرگ پدر، شاهد حرکات ساموایی‌وار پسر هستیم که ظاهراً در خوابش دارد آن‌ها را می‌بیند و بدین ترتیب خیلی آرام آماده می‌شود تا با گذشته‌اش و به تبع آن با بردارش که حال با مرگ پدر، تنهاشده و نیاز به مراقبت دارد، مواجه شود.

جدای از این کارکرد اسطوره‌انگارانه که فیلم‌ساز می‌خواهد از



کنارش به نگاه نوستالژیک آدم‌های اثرش بپردازد و از درون آن ارتباط آن‌ها را برای ما روشن کند؛ واژه «میفونه» به نوعی برساننده منطق جهان اثر، شخصیت‌هایش و بطور ویژه ارتباط دو شخصیت کلیدی فیلم یعنی مرد و زن پرستار است. توشیرو میفونه با نقش‌هایی که بخصوص در آثار کوروساوا (و بویژه «هفت سامورایی» که در فیلم هم به آن اشاره می‌شود) ایفا کرده، شمایی پرقدرت با تحمل مشکلات مختلف را به ما یادآور می‌شود. نکته اساسی در مورد فصل مشترک شخصیت‌پردازی مرد و زن پرستار هم در همینجاست. هر دوی آنان در تیررس انواع مشکلاتی که به حالت مسلسل‌وار به سمتشان هجوم آورده‌اند، قرار دارند. این مشکلات، هم از گذشته آن دو ریشه می‌گیرد و هم مربوط به شرایط فعلی زندگی آن‌هاست. مرد، خانواده‌ای داشته که بنظر می‌رسد مدتی است آن‌ها را ترک کرده. او تا آن اندازه از آن‌ها دور شده که حتی به همسرش هم چیزی راجع به آن‌ها نگفته است. پس از مرگ پدر و بازگشت او به خانه متوجه می‌شویم که او یک برادر عقب‌مانده دارد که نیازمند مراقبت است؛ ضمن اینکه مادرش هم سال‌ها پیش دست به خودکشی زده و علاوه بر این‌ها پس از ورود پرستار، زمانی که همسرش آن دو را در خانه می‌بیند، اجازه توضیح به مرد نداده و او را ترک می‌کند. قرینه همین وضعیت دشوار در سوی دیگر و برای پرستار هم فراهم است. او کسی است که در ابتدا در یک روسپی‌خانه کار می‌کند و مطلقاً از شرایط رضایتی ندارد. حتی پس از آن‌که به عنوان پرستار به خانه مرد و بردارش می‌آید، همسایه آن‌ها با نگاه سوء به او می‌نگرد و پس از تمام این‌ها متوجه می‌شویم که او هم برادری دارد که باید خرجش را بدهد و از او مراقبت کند.

این دو قطب تحت فشار در تضارب با هم است که نقاط دراماتیک اثر را شکل داده و جهان آن را قوام می‌بخشد. آن دو همچون دو ساموایی هرگز خود را تسلیم شرایط نکرده و تا حد امکان اوضاع را به نفع خودشان تغییر می‌دهند. در لحظه‌ای که مرد همسایه به همراه دو نفر دیگر قصد تعرض به پرستار را دارند، مرد می‌آید تا در جایگاه یک ساموایی قدرت‌نمایی کند؛ اما نه تنها نمی‌تواند کاری بکند بلکه حسابی هم تنگ می‌خورد ولی به هر صورت دختر از آن مهلکه نجات پیدا می‌کند. همین اتفاق اما باعث می‌شود تا دختر تصمیمش برای ترک آنجا را تغییر دهد.

فیلم از این لحظات طنزآمیز کم ندارد. یکی از بهترین این لحظات، سکانسی است که برادر ساده‌دل چندی از رقایش را به خانه‌شان دعوت کرده. پرستار و بردارش همچون ما- در ابتدا گمان می‌برند که آن‌ها آدم‌های خل‌وضع و ناتوانی هستند که یک‌بار یکی از آن‌ها گیتاری را که از دید ما پنهان است درمی‌آورد و بطرز ماهرانه و شگفت‌آوری شروع به نواختن می‌کند.

یک مرکز زیبایی

غیرمجاز پلمب شد

واحد نظارت بر درمان شبکه بهداشت و درمان فردیس یک مرکز غیرمجاز زیبایی (تزریق ژل و بوتاکس و لیزر) در یک منزل مسکونی در این شهرستان را شناسایی و پلمب کرد.

به گزارش «دنیای هوادار»، بر اساس رسیدگی به شکایات واصله (مبنی بر آسیب چشمی پس از تزریق) به واحد نظارت بر درمان شبکه بهداشت و درمان مراکز درمانی و واحد های بخش خصوصی و رسیدگی به شکایات درمانی، یک واحد غیرمجاز تزریق ژل و بوتاکس توسط فرد غیرپزشک که در منزل شخصی خود اقدام به انجام امور پزشکی می نمود، توسط بازرسان واحد نظارت بر درمان این شبکه شناسایی و پرونده فرد متخلف بعلت دخالت افراد غیر پزشک در امور پزشکی به مقامات قضایی ذیصلاح ارسال شد.

از واحد متخلف مذکور مقادیر زیادی ژل و بوتاکس غیر مجاز و تجهیزات پزشکی غیر استاندارد کشف و جهت اقدامات قانونی بعدی ضبط گردید.



آگهی اختار افراز

خواهان: مسیب حاتمی زاهد

به آدرس: تهران، تهرانسر، بلوار اصلی کوچه گیتی نما (۱۴ اصلی) پلاک ۲۵ خوندگان:

۱- آق قربکتاش

آدرس: البرز، کرج، باغستان، گلستان ۳، پلاک ۵۴، واحد ۱

۲- هادی بکیاسای کیوی

آدرس: البرز، کرج، باغستان، گلستان ۳، پلاک ۳۴، واحد ۱

۳- معصومه بکیاسای کیوی

آدرس: البرز، کرج، باغستان، اشتراکی شمالی، بوستان ۲۰،

پلاک ۲۴ واحد ۶

۴- فرزانه بکیاسای کیوی

آدرس: البرز، کرج، باغستان، گلستان ۳، پلاک ۳۴، واحد ۱

۵- مکرم بکیاسای کیوی

آدرس: البرز، کرج، باغستان، بوستان ۲، پلاک ۳۶، واحد ۹

۶- مهناز بکیاسای کیوی

آدرس: البرز، کرج، باغستان، گلستان ۱۴، پلاک ۵۴، واحد ۶

ساختمان ماندگار

با عنایت به اینکه آقای مسیب حاتمی زاهد از مالکین مشاعی پلاک ۴۱۸۳ فرعی از ۱۴۹ به موجب درخواست شماره ۶۶۷۴ مورخه ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ تقاضای افراز سهمی خود را از این اداره نموده اند و روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ ساعت ۱۱ برای بازدید از محل وقوع ملک تعیین گردیده، لذا مراتب بدینوسیله به شما ابلاغ و اطلاع داده میشود تا برای بازدید از محل در روز و ساعت تعیین شده در این اداره یا در محل وقوع ملک حضور بهم رسانید. ۱۹۱۵۰۴۳

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

رئیس هیات رئیسه صندوق های بازنشستگی نفت منصوب شد

وزیر نفت در حکمی «حسین حسین زاده» را به عنوان عضو اصلی و رئیس هیات رئیسه صندوق های بازنشستگی صنعت نفت منصوب کرد. در حکم محسن پاک نژاد خطاب به حسین زاده آمده است: «بر اساس مصوبه جلسه عادی به طور فوق العاده هیات امنای صندوق های بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت در تاریخ (۳۱ فروردین) و با استناد به حکم ذیل ماده ۱۱ اساسنامه صندوق ها منصوب ۱۳۹۸/۰۷/۰۳ هیات وزیران، بدین وسیله جنابعالی برای مدت سه سال به عنوان «عضو اصلی و رئیس هیات رئیسه صندوق ها» منصوب می شوید. انتظار دارد در این مسئولیت خطیر، همواره رعایت کامل مصالح و منافع اعضا را در تصمیم گیری های خود مدنظر قرار دهید».

دوشنبه ۱۴۰۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۷۹۴

دنیای هوادار

اقتصاد

انرژی

دولت چهاردهم و بازتعریف رابطه با نفت؛

بازی بزرگ انرژی

را رقابتی تر کند. شفافیت، بهره وری و جلوگیری از رانت، سه کلیدواژه های هستند که با اجرایی شدن این پروژه می توان به آن ها امید بست.

یارانه ها؛ مسئله ای سیاسی یا اقتصادی؟

اصلاح یارانه سوخت، همچنان داغ ترین سبب سرخ این میدان است. هر دولتی که پا به میدان اصلاح آن بگذارد، خود را در آستانه یک نبرد سیاسی اجتماعی می بیند. اما واقعیت این است که ادامه این روند، یعنی توزیع گسترده و بی هدف یارانه انرژی، نه تنها کسری بودجه را تشدید می کند بلکه مانع بزرگ اصلاح مصرف، توسعه انرژی های تجدیدپذیر و جذب سرمایه گذاری خارجی است. آنچه کریمی از آن به عنوان «برنامه هفتم توسعه» یاد می کند، باید صحنه اجرای این اصلاحات باشد، نه تنها سندی برای بایگانی. اصلاح یارانه ها، به ویژه اگر همراه با زیرساخت هایی چون «حساب بهینه سازی انرژی» و نظارت جدی بر تخصیص منابع باشد، می تواند نقطه آغاز بازآفرینی نظام انرژی کشور باشد.

تصمیمات شورای اقتصاد در اعطای مجوز برای توسعه میدان نفتی همچون آزادگان، سومار، آذر، دلاوران و بند کرخه، نشان از آن دارد که دولت علاوه بر اصلاح ساختاری، به دنبال جهش سرمایه گذاری در حوزه بالادستی انرژی نیز هست. با توجه به تحریم ها، جذب سرمایه داخلی و حتی استفاده از ظرفیت های صندوق توسعه ملی برای احیای این میدان، می تواند منابع جدیدی را به بدنه انرژی کشور تزریق کند. اما باید پرسید: توسعه این میدان با کدام تکنولوژی؟ و با چه مدل اقتصادی؟ اگر همچنان توسعه با الگوهای فرسوده صورت گیرد، ما بار دیگر در همان دایره بسته قدیمی خواهیم چرخید.

یکی از تصمیمات مثبت سال گذشته، تخصیص مجوز گازرسانی به استان سیستان و بلوچستان بود؛

علیرضا نظری

چالش ناترازی انرژی در ایران، دیگر یک بحران خاموش نیست؛ بلکه به وضوح به صدای بلند کسری ساختاری و فرسودگی زیرساخت ها تبدیل شده است. سال هاست که مصرف بیش از تولید، سوءمدیریت در سیاست گذاری انرژی و اتکای افراطی به یارانه های پنهان، ما را به سمت یک لبه خطرناک کشانده اند. اما حالا دولت چهاردهم، با تکیه بر چهار محور اصلی، سعی دارد معادله ای چند وجهی را بازنویسی کند. این معادله، فقط درباره نفت و گاز نیست؛ درباره رابطه ایران با آینده است.

در گفت و گو ایخیر محمدصادق کریمی، رئیس امور انرژی سازمان برنامه و بودجه، نشانه هایی از یک نگاه کلان و ساختاری در حوزه انرژی به چشم می خورد؛ نگاهی که تلاش می کند با ابزار سیاست گذاری مالی، برنامه ریزی توسعه ای و همراهی شورای اقتصاد، از یک باتلاق ناکارآمدی، مسیر خروج بیابد.

وقتی توسعه از دل اصلاح درمی آید

یکی از نکات برجسته، تدوین اساسنامه سازمان بهینه سازی انرژی و اصلاح رابطه مالی دولت با شرکت ملی نفت است. این دو، اگر درست اجرا شوند، می توانند بخشی از ساختار معیوب چند دهه اخیر را ترمیم کنند. به ویژه رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت، که سال ها بر پایه ناپایداری و تفسیرهای متغیر از درآمد و هزینه شکل گرفته بود، اکنون قرار است در قالب یک آیین نامه منظم و روشن بازتعریف شود. این بازتعریف، اگر به مرحله اجرا برسد، می تواند ریل گذاری تازه ای برای اعتمادسازی، جذب سرمایه و نیز ارتقاء شفافیت باشد. از سوی دیگر، تأسیس بازار برق و تقویت سهم معاملات برق در این بازار، از آن دست اقداماتی است که می تواند مصرف را هوشمندانه تر و تخصیص منابع

مدرسه ذکایی شهرک سیمرغ افتتاح شد

اصغر قلندری

در آئین بهره برداری از مدرسه دوازده کلاسه خیر ساز ذکایی، شهرک سیمرغ؛ از خانم پروین ربیعی مادر مرحوم زنده یاد مهندس علی ذکایی خیر مدرسه ساز تجلیل بعمل آمد.

در مراسمی باحضور خانم دکتر پروین ربیعی خیر مدرسه ساز، مدرسه دوازده کلاسه زنده یاد مهندس علی ذکایی شهرک سیمرغ افتتاح شد.

در این مراسم که با تلاش اداره آموزش و پرورش شهرستان برخوار؛ آقای عرب زاده و خانم چراغیان مدیران پسرانه و دخترانه مدرسه در سالن اجتماعات مدرسه زنده یاد مهندس علی ذکایی برگزار شد خانواده های معزز شهدا و ایثارگران، آقای حاجی دلگانی نماینده محترم و پرتلاش میمه، شاهین شهر و شهرستان برخوار، دکتر علیرضا معصومی فرماندار، ناصر فتحی مدیرکل نوسازی مدارس و عبدیزدان مدیر عامل مجمع خیرین استان اصفهان، حاج آقا حق شناس امام جمعه شهر خورزوق، دکتر فضل

اله هاشمی شهردار، خانم رحیمی رئیس، حاج آقا احمدی و مهدی یارعلی اعضای شورای شهر خورزوق، حسین جعفری سرپرست اداره آموزش و پرورش تنی چند از مدیران استانی آموزش و پرورش استان و شهرستان، خیرین مدرسه ساز، فرهنگیان و جمعی از معتمدین و اولیای دانش آموزان مدرسه ۱۲ کلاسه زنده یاد مهندس علی



تصمیمی که اگرچه دیر، اما بالاخره اتخاذ شد. سیستان و بلوچستان، یکی از محروم ترین استان های کشور، مدت ها است از زیرساخت های پایه انرژی محروم مانده و توسعه نیافتگی اش نشانه ای است از شکاف عمیق عدالت سرزمینی در ایران. تصمیم برای گازرسانی به این استان، باید نه فقط به عنوان یک پروژه فنی بلکه به مثابه یک نماد اصلاح گرایانه در سیاست انرژی نگریسته شود. انرژی، نباید کالای لوکس مرکز باشد؛ انرژی، حق پایه زندگی در هر نقطه از ایران است.

از سند به عمل؛ شکاف همیشگی توسعه

تمام آنچه در این برنامه ها و سیاست ها دیده می شود، اگر تنها در سطح مصاحبه، آیین نامه یا سند باقی بماند، حاصلی جز تکرار نخواهد داشت. آن چه حیاتی است، عزم اجرایی و نظارت نهادی برای تحقق برنامه هاست. افکار عمومی، کارشناسان و رسانه ها باید این فرآیند را رصد کرده و از افتادن آن در دام کلی گویی ها جلوگیری کنند. اگرچه اصلاحات ساختاری و توسعه سرمایه گذاری ها در حوزه انرژی، نیازمند زمان و منابع است، اما آن چه در دولت چهاردهم آغاز شده را می توان نقطه ای امیدبخش دانست؛ مشروط بر آنکه با شجاعت سیاسی، شفافیت رسانه ای و پیگیری مستمر نهادهای نظارتی همراه باشد.



ذکایی که به همت خانواده خیر و نیکوکار ذکایی و با همکاری و پیگیری، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، احداث شده با تأخیر، مورد بهره برداری قرار گرفت. در پایان باحضور مقالات از خانم دکتر ربیعی؛ پیمانکار و مهندسان ناظر اداره کل نوسازی و تجهیز مدارس استان اصفهان تجلیل بعمل آمد.



بازیکن تیم استقلال به دیدار مقابل هوادار در لیگ برتر رسید.

مسعود جمعه، بازیکن تیم استقلال پس از چند هفته غیبت مشکلی برای همراهی این تیم ندارد. تیم فوتبال استقلال امروز در دیداری معوقه در ورزشگاه آزادی به مصاف هوادار تهران خواهد رفت که مسعود جمعه پس از رهایی از بند آسیب دیدگی می‌تواند با صلاح‌دید کادر فنی آبی پوشان به میدان برود. همچنین وضعیت ایمان سلیمی دیگر بازیکن استقلال هنوز مشخص نیست و قرار است امروز از او تست گرفته شود.

معادلات قهرمانی لیگ برتر زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»

خارج از گود

اردیبهشت سرنوشت ساز



حسن صانعی پور

حداقل پنجم تا بیست و پنجم اردیبهشت ماه، روزهای سرنوشت سازی است که در آن تکلیف قهرمان لیگ برتر فوتبال ایران مشخص خواهد شد و نماینده دوم کشور در لیگ نخبگان نیز معرفی می‌شود. از طرفی مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی نیز در همین بازه زمانی برگزار شده و چهره چهار تیم مدعی قهرمانی در این جام نیز مشخص خواهد شد. جامی که استقلال تهران حساب ویژه‌ای برای کسب آن به جهت راهیابی به لیگ قهرمانان سطح دو آسیا باز کرده و البته سپاهان اصفهان نیز به دنبال قهرمانی در این جام است. آنچه در خصوص قهرمانی جام حذفی مهم است اینکه قهرمانی سپاهان در این جام و قطعی شدن سهمیه نخبگان برای آنان، تیم سوم جدول رده بندی لیگ برتر را نیز به آسیایی شدن امیدوار خواهد کرد. در ادامه نگاهی به شرایط مدعیان اصلی قهرمانی در سه هفته باقی مانده از لیگ بیست و چهارم خواهیم انداخت:

تراکتور در آستانه طلسم شکنی

تراکتور تبریز بعد از صعود مجدد به لیگ برتر فوتبال ایران همواره داعیه قهرمانی داشته و در فصول متعددی نیز تا آستانه فتح جام قهرمانی پیش رفته است. اما قرمزپوشان تبریز همیشه در حساس ترین مقاطع فصل دچار حادثه بدشانسی شده و قافیه را به دیگر رقبا به خصوص پرسپولیس باخته‌اند. «دیدار نوستالژیک و شش امتیازی این تیم در فصل شانزدهم با پرسپولیس در حالی که احمد نورالهی و امید عالی شاه دو بازیکن سرباز این تیم به علت بسته بودن پنجره نقل و انتقالات نتوانستند در ترکیب این تیم قرار بگیرند و با بُرد قرمزپوشان تهران به پایان رسید، گواه این مدعاست». با این حال شاگردان اسکوچیچ اول اردیبهشت ماه دیداری حساس از هفته بیست و دوم مقابل فولاد خوزستان برگزار خواهند کرد؛ دیداری که امتیازات آن برای هر دو تیم مهم و تاثیرگذار خواهد بود. تراکتور در صورت شکست فولاد خوزستان، برای قطعی کردن قهرمانی خود به یک برد و دو تساوی در سه هفته انتهایی نیازمند است. این در حالی است که این تیم با شمس آذر قزوین که خطر سقوط را احساس می‌کند در هفته بیست و هشتم بازی خواهد کرد. در هفته بیست و نهم میزبان نساجی مازندران است که برای ماندن انتحاری بازی خواهد نمود و در هفته آخر لیگ نیز باید در اهواز به دیدار تیمی برود که اگر هم از خطر سقوط رهایی یافته باشد، اما همیشه هجومی و با برنامه بازی کرده و در فصل بیست و چهارم یقه بزرگان لیگ را در ورزشگاه خانگی خود گرفته است. این بدان معناست که تراکتور تبریز هرچند روی کاغذ در سه هفته انتهایی رقبای آسانی پیش رو خواهد داشت، اما به لحاظ انگیزه بسیار خطرناک تر از تیم‌های میانه جدول و حتی مدعی قهرمانی هستند. باید دید آیا تراکتور

برخلاف فصول قبل قادر خواهد بود طلسم شکنی کرده و قهرمان ایران شود؟

سپاهان بدنبال سهمیه

طلایی پوشان اصفهان مهم ترین بازی هفته و شاید مهم ترین بازی نیم فصل دوم را با پیروزی به پایان رساندند تا فاصله خود را با پرسپولیس به پنج امتیاز افزایش بدهند. فاصله‌ای که شاید سهمیه لیگ نخبگان «پلی آف» را برای آنان قطعی نماید. این تیم به همین میزان امتیاز با صدر جدول فاصله دارد. «البته بدون احتساب بازی تراکتور با فولاد خوزستان». این بدان معناست که سپاهان بیشتر از آنکه بدنبال قهرمانی باشد، در اندیشه کسب سهمیه لیگ نخبگان است. با این حال نگاهی به سه دیدار آینده این تیم چند نکته مهم را به ذهن متبادر می‌کند. موضوعاتی که شاید در انتهای لیگ رتبه آنان را تحت تاثیر قرار بدهد؛ طلایی پوشان در هفته بیست و هشتم با گل گهری مصاف خواهند کرد که امکان صعود به رتبه چهارم را ندارد اما در اندیشه حفظ جایگاه خود است. اما هفته بیست و نهم برای شاگردان کارترون خطرناک و غیرقابل پیش بینی است؛ هوادار اگر بتواند در دو بازی معوقه خود امتیازات لازم را بدست بیاورد آنگاه برای ماندن به آب و آتش خواهد زد. از طرفی داستان هفته انتهایی برای سپاهان نیز متفاوت خواهد بود؛ این تیم در این هفته باید به دیدار استقلال تهران برود. تیمی که در نیم فصل دوم نتوانسته است از بحران بیرون بیاید و هفته هاست که با بردن بیگانه شده است. چنانچه سه امتیاز هفته پایانی آبی پوشان پایتخت مقابل سپاهان حکم به بقاء آنان در لیگ برتر بدهد، آنگاه این دیدار علاوه بر جذابیت‌های همیشگی، بسیار پُر حاشیه و غیر قابل پیش بینی خواهد بود. با این اوصاف سپاهان برای حفظ جایگاه دوم کاری به مراتب سخت تر از پرسپولیس خواهد داشت.

سال بی جام ارتش سرخ

چهارمین باخت پرسپولیس مقابل سپاهان آن هم در یک فصل، اوضاع و احوال آنان را به تمامی

برهم ریخته است. نتایجی که باعث شده است سالی بدون جام برای قرمزپوشان تهران متصور بشود. در این بین شاگردان کارنال که تغییرات زیادی در ترکیب خود ایجاد کرده است، هنوز به کسب رتبه برتر و حتی قهرمانی لیگ امید دارند. جریانی که ابتدا باید با کسب امتیازات باقی مانده آغاز و سپس با توقف دو حریف دیگر به پایان برسد. با این حال پرسپولیس در سه دیدار انتهایی خود ابتدا باید به مصاف مس رفسنجان برود که دغدغه سقوط داشته و البته در رفسنجان خوب بازی می‌کند. قرمزپوشان سپس در هفته بیست و نهم میزبان خیبر خرم آباد هستند. خیبر با نتایجی که در هفته‌های اخیر بدست آورده به اوضاع خود سروسامان داده، اما همین نکته شاید دیدار سختی را برای قرمزپوشان پایتخت رقم زند؛ و در نهایت پرسپولیس در هفته سی ام با هوادار بازی خواهد کرد. هوادار در هر صورت در هفته آخر حریف آسانی برای پرسپولیس نخواهد بود اما اگر شاگردان کارنال برای کسب سهمیه و یا قهرمانی به امتیازات این دیدار نیازمند باشند، گذشتن از سد هوادار کار سختی به نظر نخواهد رسید.

ایران و فوتبال آسیا

به نظر می‌رسد فوتبال باشگاهی ایران در دومین دوره لیگ نخبگان آسیا با نمایندگانی متفاوت حاضر خواهد بود. سپاهان و تراکتور که فصل گذشته در لیگ قهرمانان سطح دو آسیا شرکت کرده بودند، به احتمال فراوان در فصل آینده لیگ نخبگان آسیا را تجربه خواهند کرد؛ «مصاف با غول‌های آسیا می‌تواند تجربه بزرگی برای آنان باشد». آن طرف یکی از سرخابی‌های ایران نیز تحت شرایطی خاص باید در لیگ قهرمانان سطح دو آسیا حاضر شود و این موضوع نیز تجربه جدیدی برای بزرگانی خواهد بود که حضور در لیگ سطح دو برای آنان و هواداران‌شان جذابیتی نخواهد داشت. با این حال جامعه فوتبال ایران امیدوار است؛ عملکرد نمایندگان فوتبال در فصل آتی قهرمانی باشگاه‌های آسیا به گونه‌ای باشد که به افزایش سهمیه ایران منجر گردد.

«مناف هاشمی»

اعتبار خوبی به

فدراسیون هاشمی دهیم

معاون وزیر ورزش گفت: اگر شرایط ارزی به همین شکل بماند اعتبار خوبی برای فدراسیون‌ها در نظر گرفته‌ایم. مناف هاشمی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش در مراسم کلنگ زنی کمپ تیم‌های ملی هندبال گفت: این کمبود و خلا در هندبال احساس می‌شد و مسئولان فدراسیون توانستند وزیر و مدیر توسعه و تجهیز را مجاب کنند. تلاش زیادی پاکدل داشت و با رویکردی که دنیا مالی دارد قرار است این کمپ احداث شود.

او گفت: خیلی ویژه است که رئیس توسعه و نگهداری از این موضوع استقبال کرده و در فدراسیون‌های مختلفی قرار است این اقدام صورت بگیرد. شک ندارم با همدلی و همکاری که بین وزارتخانه است این اتفاق خوب در دوره مسئولیت من انجام شود. نمی‌دانم چقدر زمان می‌خواهد اما می‌دانم مدت‌ش کوتاه است. باید این پروژه‌ها انجام شود تا بعد از خداحافظی از مسئولیت مان افسوس آن را نخوریم. ما در هر مقام و مسئولیتی که باشیم اگر کاری که باید انجام شود به ثمر نرشد افسوس آن را می‌خوریم.

مناف هاشمی گفت: شرکت توسعه بهتر از همه ما مجری است و می‌تواند آکادمی شماره ۲ کمیته را که آرزوی ما هم بود تاسیس کند. این جزو ضرورت‌ها است. تا زمانی که در کمیته مسئولیت نداشتم نمی‌دانستم برای رقابت کردن در سطح آسیایی و جهانی زیرساخت و ارتباطات بین‌المللی جزو اصول است. هندبال یکی از رشته‌های توپی است که مردم ایران در کنار والیبال و بسکتبال به آن علاقه دارند و ما هم حساب ویژه روی آن باز کردیم و بودجه و اعتبارات را ویژه دیدیم. اگر شرایط ارزی به همین شکل بماند یا کاهش پیدا کند و یا تثبیت شود اعتبار خوبی برای فدراسیون‌ها در نظر گرفته‌ایم. همه این‌ها اتفاقات خوبی را رقم می‌زند و شادی برای مردم خواهد داشت.

وی گفت: بهترین موضوع فرهنگی و اجتماعی امروز همدلی در ورزش است و امیدوارم با تلاش‌های خوبی که کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش دارند رویدادهای ما به بهترین نحو نتیجه بگیرد. بازی‌های آسیایی جوانان بحرین، کشورهای اسلامی، بازی‌های آسیایی و المپیک را در پیش داریم و باید در جریان این‌ها زیرساخت‌ها را عملیاتی کنیم. او گفت: بیش از ۵۰ میلیارد تومان برای روستاها امکانات ورزشی در نظر گرفتیم. توپ هندبال را نیز در این پکیج قرار دادیم. توپ‌های فوتبال و والیبال و فوتسال که در هر پکیج گذاشتیم قرار شد هندبال نیز اضافه شود. یکی از آرزوهای من این است که هیچ روستایی از ایران بدون امکانات نباشد تا شادابی در روستاها داشته باشیم. حتما تا پایان سال بیش‌تر از ۱۰۰ میلیارد تومان و شاید هم بیشتر اختصاص دهیم تا هیچ روستایی بدون امکانات نباشد.

گفتنی است، مناف هاشمی هم‌چنین در جمع خبرنگاران گفت: از همه تشکر می‌کنم که دست به دست هم دادند و این مراسم کلنگ‌زنی انجام شد. فدراسیون هندبال به تنهایی نمی‌تواند این پروژه را پیش ببرد و تا اینجای کار هم موفق عمل کرده است. اطلاعی که من دارم دوستان زمان تکمیل پروژه را سه سال پیش‌بینی کردند اما اگر کمک شود زودتر هم انجام می‌شود. بعد از تایید نقشه‌ها، کارها انجام می‌شود. وزارت ورزش پشت آن‌هاست و حمایت می‌کند. پاکدل هم دو حامی دارد ما نمی‌گذاریم که پاکدل تنها بماند چون می‌خواهیم ما هم در این پروژه کمک کنیم. برخی از دوستان مجلس می‌دانم که در این پروژه کمک خواهند کرد و اگر بودجه عمرانی در کنار این موضوع قرار بگیرد زودتر نتیجه خواهد داد.

او در پاسخ به سوالی درباره بودجه فدراسیون‌ها اظهار کرد: هیچ فدراسیونی را کم‌تر از ۵۰ درصد رشد ندادیم. سعی می‌کنیم بودجه را واقعی ببندیم با کم‌تر از ۱۰ درصد اختلاف و انحراف. ۱۰ درصدی مشکلی ندارد. فدراسیون‌ها براساس بودجه بسته شده برنامه‌ریزی می‌کنند و باید این بودجه پرداخت شود تا برنامه‌ها آسیب نبیند.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۷۹۴

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

اصول بازدید از اماکن تاریخی و گردشگری



از برداشتن یادگاری
(خاک، سنگ، اشیا و...) خودداری کنیم



هرگز روی اشیاء و دیوارها
یادگاری ننویسیم



هرگز به اشیاء
تاریخی دست نزنیم



به تابلوها و علائم
هر مکان توجه کنیم



زباله‌ها را در سطل‌های
مشخص شده بریزیم



سکوت نسبی را
رعایت کنیم



از رفتارهای پر سر و صدا
پرهیز کنیم



از خطوط حفاظتی
عبور نکنیم



از خوردن و آشامیدن در
محیط تاریخی خودداری کنیم



به سنت‌های مردم بومی
و محلی احترام بگذاریم



مزاحم مشاهده
و تجربه دیگران نشویم



در صورت مجاز بودن عکاسی،
تصویربرداری بدون فلش
و مونوپاد انجام دهیم

